برگه دستنوشته درمیان وسایل باقیمانده در محل حادثه سقوط هواپیماکشف شد که نشان می‌دهد متعلق به یک دانشجوست که از خدا برای امتحانی که به آن نرسید طلب کمک کرده است.

پونه گرجی، فارغ التحصیل رشته کامپیوتر دانشگاه شریف بودکه برای برگزاری جشن ازدواجش باآرش پورضرابی به ایران سفرکرده بودند. چند روز از ازدواجشان نگذشت که در سقوط هواپیما جان باختند.

دخترکوچولو عروسکش را از خودش جدا نمی کرد و به او قول داده بود، تنهایش نگذارد. اماوقتی هواپیما سقوط کرد. عروسک ازدستانش رها شد و او نتوانست به عهدش وفا کند و حالا او نظاره گر عروسک کوچولویش از فرازآسمان است.

جزئیات سانحه هوایی بوئینگ ۷۳۷ در گفت‌وگوی اختصاصی جام جم با شاهدان و امدادگران

سقوط پرنده آمریکایی

۶ دقیقه پس از پرواز

ساعت ۶ و ۱۲ دقیقه یك فروند هواپیمای بوئینگ ۸۰۰-۷۳۷ از روی باند شماره ۲۹ فرودگاه بین‌المللی امام خمینی به مقصد کیف، پایتخت اوکراین پرواز کرد. طبق مسیر از پیش تعیین شده قرار بود هواپیما بعد از اوج گرفتن و گذشتن از آسمان استان‌های قزوین، زنجان و آذربایجان غربی از کشور خارج شود اما شش دقیقه بعد از برخاستن سقوط کرد. پس از جدا شدن از باند و خروج از فضای فرودگاه، پرواز تحویل واحد اپروچ فرودگاه شد و این واحد به خلبان اعلام کرد تا نقطه parrot حدود ۶۰ مایلی فرودگاه به مسیر خود به سمت غرب ادامه دهد و سپس تحویل مرکز کنترل فضای کشور شود. اما کمی پس از این فرمان و تایید از جانب خلبان، ارتباط خلبان با مرکز اپروچ قطع شده و هیچ تماسی دریافت نشد. در این لحظه سرعت هواپیما ۴۰۰ کیلومتر بر ساعت و ارتفاع آن تقریبا ۷۹۲۵ پا یعنی حدود ۲۳۷۷ متر از سطح زمین بود. همین ارتفاع پایین مهم‌ترین نکته در وقوع ناگهانی حادثه بود، چرا که تنها لحظاتی پس از آتش گرفتن موتور، هواپیما به زمین برخورد کرده و منفجر شده و جایی برای واکنش خلبان نگذاشته است. آن طور که منابع آگاه به ما گفته‌اند به احتمال زیاد خلبان آنقدر سراسیمه و درگیر اتفاقات بوده که فرصت نکرده با مرکز کنترل تماس بگیرد و شرایط خود را اعلام کند.

صحنه‌های تلخ یک سانحه

محمد غمخوار
دبیر گروه حوادث

عقربه‌های ساعت، ۸ و ۲۰ دقیقه صبح چهارشنبه را نشان می‌دهد، به محل سقوط هواپیما در جنوب شهرك لاله بین صباشهر و پرند در غرب تهران می‌رسم. دود و بوی سوختگی مشام را پر می‌کند. آتش‌نشانان در حال لکه‌گیری آتش در محل سقوط هواپیما هستند. چاله‌ای به عمق حدود نیم متر محل اول برخورد هواپیمای بوئینگ ۷۳۷ هواپیمایی اوکراین را نشان می‌دهد. تا شعاعی در حدود دو کیلومتر قطعات هواپیما، پیکرهای تکه‌تکه شده مسافران و وسایل آنها دیده می‌شد.

مجتبی که خانه‌شان در ۵۰ متری محل سانحه است، می‌گوید: با صدای انفجار ابتدا فکر کردم موشك در نزدیکی خانه‌مان منفجر شده است. شیشه‌های خانه‌ها فرو ریخت. سریع بیرون آمدم و با صحنه عجیبی روبه‌رو شدم. زمین شعله‌ور بود. با دیدن موتور هواپیما تازه متوجه سقوط هواپیما شدم. هواپیما ابتدا در پارك به زمین برخورد کرد و بعد از ۵۰ متر روی زمین کشیده شد و به دیوار پارك اصابت کرد و منفجر شد. حدود ۲۰ دقیقه بعد نیروهای امدادی آتش‌نشانی و هلال احمر، خود را به محل سانحه هوایی رساندند. بالگردهای اورژانس و هلال احمر هم با روشن شدن هوا راهی منطقه شدند. کسی زنده نمانده بود و قطعات پیکر مسافران در اطراف محل سقوط دیده می‌شد. ماموران پلیس که آمدند، ما را از محوطه بیرون کردند.

امدادگران هلال احمر در منطقه پخش شده‌اند و بقایای پیکر سرنشینان هواپیما را جمع می‌کنند، بقایایی که تشخیص این‌که برای کدام بخش بدن مسافران است، سخت است. بعد از پیدا کردن قطعه‌ای از پیکر مسافران، آنها را داخل کاورهایی می‌گذارند تا برای تشخیص هویت به پزشکی قانونی منتقل شوند.

جست‌وجوها در منطقه ادامه دارد که ناگهان صدای شیون و زاری فضا را پر می‌کند. خانواده چند نفر از مسافران توانسته بودند از حلقه ماموران رد شوند و خود را به محل سانحه برسانند. زن میانسالی مویه‌کنان روی سر و صورت می‌کوبد و برای پسرش عزاداری می‌کند. «صبح نمی‌دانستیم آخرین خداحافظی است وگرنه نمی‌گذاشتم بروی. فرستادم تا دکتر شدنت را ببینم، اما حالا اینجا باید دنبال تکه‌های بدنت بگردم.»

مردی هم در گوشه‌ای نشسته و آرام گریه می‌کند. وقتی آرام می‌شود، سراغش می‌روم. در این سانحه برادرزاده‌اش و همسر او جان خود را از دست داده‌اند. «آنها در اوکراین درس می‌خواندند. برادرزاده‌ام دانشجوی دکتری بود و همسرش کارشناسی ارشد می‌خواند. ساعت ۳ بامداد چهارشنبه در فرودگاه بدرقه‌شان کردیم و ساعت ۷ صبح متوجه سقوط هواپیما شدیم. چهره خندانشان که موقع خداحافظی به ما روحیه می‌دادند، یك لحظه از مقابل چشمانم محو نمی‌شود. نمی‌دانم چطور به برادرم بگویم آنها تکه‌تکه شده‌اند.»

برای گرفتن عکس بالای کانکسی که در فاصله ۵۰۰ متری محل سقوط است می‌روم. صحنه‌ای شوکه‌ام می‌کند. قطعاتی از پیکر یك زن و گذرنامه نیمه سوخته مردی به بالای کانکس پرت شده است. پشت کانکس باغی است که دیوارهایش سالم مانده است، اما داخلش چند چمدان مسافران و بقایای اجساد در میان درختان آن دیده می‌شود. هرچه جلوتر می‌روم صحنه‌ها دلخراش‌تر می‌شود. چند امدادگر هلال احمر سعی می‌کنند بقایای جسدی را از میان شاخ و برگ درختی جدا کنند. روی دیوار انتهایی باغ خون دیده می‌شود و در اطرافش دوباره بقایای قربانیان این سانحه.

آخرین قطعه هواپیما، بال آن بود که در فاصله حدود یك کیلومتری محل برخورد افتاده بود. در گوشه‌ای از این محوطه اجساد داخل کاورهایی ردیف شده‌اند و با دستور دکتر شهریاری، معاون دادستان تهران به پزشکی قانونی منتقل می‌شوند.

با انتقال اجساد به پزشکی قانونی و پیدا شدن جعبه‌های سیاه هواپیما، عملیات امدادگران هلال احمر تمام شد و منطقه را تحویل ماموران پلیس دادند. یکی از امدادگران خسته از بیش از هشت ساعت جستجو می‌گوید: پیکر جانباختگان تکه تکه شده بود و در فضایی وسیع پخش شده بود. با دقت زیادی جستجوی متر به متر انجام دادیم تا تمام بقایا را جمع آوری کنیم. صحنه های دلخراشی را امروز دیدیم. از لباس های بچه گانه تا عروسک و اسباب بازی های بچه ها. ضجه های خانواده ها نیز همه را تحت تاثیر خود قرار می داد. آنها از شرایط خبر نداشتند و به دنبال اجساد سالم بودند.

همچنین تیم تشخیص هویت پلیس غرب استان تهران با جمع آوری وسایل و مدارك مسافران، این بسته‌ها را به مقر پلیس انتقال دادند تا بعد از شناسایی تحویل خانواده‌هایشان شود.

خورشید در حال غروب کردن است و خانواده‌های مسافران با اصرار از ماموران می‌خواهند اجازه دهند به محل جان باختن عزیزان‌شان بروند و عزاداری کنند. مرد جوانی با اصرار به سرباز پلیس می‌گوید: خودم صبح خواهرزاده‌ام را بدرقه کردم. اجازه بدهید بروم در محوطه او را پیدا کنم. من بدون پیکر او نمی‌توانم به خانه برگردم.

ماموری پشت بلندگوی خودروی یگان ویژه می‌رود و از خانواده‌ها می‌خواهد برای تشخیص هویت و تحویل گرفتن اجساد قربانیان به پزشکی قانونی مراجعه کنند.

جمعیت، میدان اصلی شهرك لاله را ترك می‌کنند و ذهن خانواده‌های داغدار به ۲۴ ساعت قبل می‌رود که در این ساعت خود را برای بدرقه عزیزان‌شان آماده می‌کردند و حالا باید بدرقه‌کننده آنها تا خانه ابدی باشند.

روایت دست اول تنها شاهد سقوط

لحظاتی بعد از انتشار خبر سقوط هواپیمای تهران به کی‌یف، فیلمی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که لحظه آتش گرفتن و سقوط بوئینگ ۷۳۷ را نشان می‌دهد. علی، مرد جوانی است که سحرگاه چهارشنبه هنگام رفتن به محل کارش، هواپیما را در آسمان دید و از صحنه سقوطش فیلم گرفت: ساعت ۶ و ۱۰ تا ۱۵ دقیقه صبح چهارشنبه بود که در حال عبور از بلوار در نزدیکی شاهد شهر بودم تا به محل کارم بروم که ناگهان در آسمان دیدم شیئی نورانی در آسمان است. شعله نورانی که به وضوح می‌شد آن را دید. وقتی کمی ارتفاع کم کرد و نزدیك‌تر شد دیدم یك هواپیمای مسافربری در حال نزدیك شدن به سطح زمین است. دیدم سمت راست و بال عقب هواپیما آتش گرفته و در حال سوختن است. معلوم بود خلبان سعی می‌کند هواپیما را به فرودگاه امام که تا اینجا پنج کیلومتر فاصله دارد برساند، اما در بوستان لاله به زمین خورد و دوباره بلند و چند متر جلوتر با اصابت به دیوار منفجر شد. از زمانی که موتور هواپیما آتش گرفت تا زمانی که سقوط کرد، کمتر از یك دقیقه طول کشید.

علی سریع خود را به محل سقوط رسانده و با آتش‌نشانی و اورژانس تماس گرفته است. چند نفر از اهالی هم در محل جمع شده بودند تا بتوانند کمکی کنند، اما تمام مسافران جان باخته بودند: فکر کردم بتوانیم مسافران را نجات دهیم، اما هواپیما و مسافران تکه‌تکه شده بودند و کاری از دست کسی بر نمی‌آمد.

نهمین سقوط مرگبار

سقوط هواپیمای بوئینگ تهران به کی‌یف، نهمین هواپیمای بوئینگ ۸۰۰-۷۳۷ بود که طی چند سال اخیر در جهان سقوط کرده است.

به گزارش خبرنگار جام جم هواپیمای بوئینگ ۸۰۰-۷۳۷ که روز گذشته در حوالی شهریار سقوط کرد، محصول سه سال قبل بود.

مداح، مدیر عامل دفتر نمایندگی هواپیمایی اوکراین در ایران در گفت‌وگو با خبرنگار جام جم گفت: هیچ اطلاعات مستندی در مورد علت دقیق سقوط هواپیما در دست نداریم. مسوول رفع نقص فنی هواپیما در حال سفر به ایران از طریق کشور ترکیه است و برای رسیدگی به موضوع و پاسخگویی به علت سقوط هواپیما به ایران خواهد آمد.

سال ۲۰۰۶ اولین هواپیمای بوئینگ ۸۰۰-۷۳۷ در مسیر شهر مانائوس به سمت برازیلیا در حال پرواز بود که بر اثر برخورد با یک هواپیمای خصوصی در جنگل‌های آمازون سقوط کرد و ۱۵۵ سرنشین آن جان باختند. پس از این سقوط هفت سانحه هوایی مشابه دیگر برای بوئینگ ۸۰۰-۷۳۷ در حوالی فرودگاه‌های نایروبی، هلند، هند، کلمبیا، رستوف، چوک و دریای مدیترانه جان بیش از هزار نفر را گرفت.

حاشیه‌های یک سقوط

- سفارت اوکراین در تهران: سقوط هواپیمای خطوط بین‌المللی اوکراین به دلیل از کار افتادن موتور بوده است.
- علی عابدزاده، رئیس سازمان هواپیمایی کشوری: جعبه سیاه هواپیمای سقوط کرده اوکراینی را به کشور سازنده آن که آمریکا باشد، ارائه نخواهیم داد. اوکراینی‌ها نیز می‌توانند هنگام بررسی سانحه حضور داشته باشند. اطلاعی از نقص فنی احتمالی نداشته ایم و خلبان این هواپیما نیز تماسی با برج مراقبت یا اپروچ قبل از سانحه نداشته است.
- علی کاشانی، سخنگوی فرودگاه امام خمینی(ره) تهران تعداد مسافران کشته شده در سانحه هوایی را ۱۶۷ نفر مسافر و تعداد خدمه آن را نیز ۹ نفر اعلام کرد.
- در حالی که رئیس اورژانس استان تهران اعلام کرده، ۱۴۷ نفر از سرنشینان این هواپیما ایرانی و ۳۲ نفر دیگر خارجی بوده‌اند، وزارت خارجه اوکراین اعلام کرده، در هواپیمای سانحه دیده، ۸۲ ایرانی، ۶۳ کانادایی، ۱۱ اوکراینی و ده سوئدی، چهار افغانی، سه آلمانی و سه انگلیسی وجود داشت. دو نفر از کشته شدگان اوکراینی در این سانحه مسافر و ۹ نفر نیز از خدمه هواپیما بودند.
- تعدادی از دانشجویان ایرانی دانشگاه های آمریکا، کانادا و کشورهای اروپایی که در تعطیلات کریسمس به ایران سفرکرده بودند، با پایان یافتن تعطیلات ژانویه قصد بازگشت به محل تحصیل خود را داشتند که در این پرواز جان خود را از دست دادند. این جانباختگان قبل از این‌که برای ادامه تحصیل به اروپا سفر کنند، فارغ التحصیلان دانشگاه های شریف، امیرکبیر، تهران و علم صنعت بودند.
- ۱۶ نفر از کشته شدگان مسافران هواپیما از دانش‌آموختگان دانشگاه صنعتی شریف تهران بودند.

روایت نجات معجزه‌آسای مسافر بازمانده

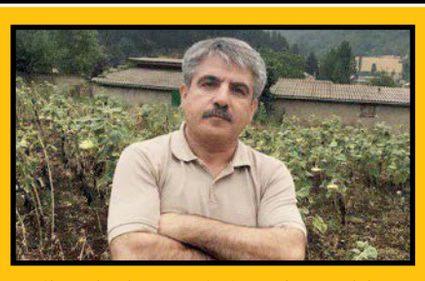

فاطمه شیخ‌علیزاده
حوادث

واحد شهبازی نام مرد ۵۵ ساله اهل گنبدکاووس است که قرار بود در کنار مسافران اوکراینی در هواپیما جای گیرد، ولی یك اتفاق باعث شد او از پرواز جا مانده و به طور معجزه‌آسایی زنده بماند.

شهبازی که با توجه به شغلش سالی چند بار به اوکراین سفر می‌کنند، از چند وقت قبل برای پرواز شب قبل به اوکراین بلیت رزرو کرده بود. او در مورد اتفاق دیشب و جاماندنش از هواپیما می‌گوید: «در کشور اوکراین یك شرکت بازرگانی صادرات و واردات دارم. محصولات و کالاها را از آنجا به کشورهایی مثل ترکمنستان و کشورهای دیگر صادر می‌کنیم؛ مثل گوشت یا سیر یا هر چیزی که فکرش را کنید. برای همین سالی چند بار مجبورم به اوکراین سفر کنم و از چند وقت قبل بلیت رزرو کرده بودم. با حسابی که کرده بودم اگر حدود ساعت ۸ شب از خانه‌ام در گنبدکاووس به سمت تهران حرکت می‌کردم به پرواز می‌رسیدم.»

او طبق برنامه راهی تهران شد، اما ناگهان ماموران راهنمایی رانندگی جلوی خودروی شهبازی را گرفتند و از آن لحظه به بعد حسابش برای رسیدن به پرواز درست از آب درنیامد. «نزدیك زیرآب سوادکوه بودم که پلیس راهنمایی و رانندگی به من دستور ایست داد. از خودروی خود پیاده شدم و مدارکم را نشان دادم. چند دقیقه‌ای طول کشید تا خلافی خودرو را استعلام کردند و گفتند ماشین باید به پارکینگ برود. از طرفی چون ماشین به نام پسرم است، هیچ کاری در آن وقت شب از دستم برنمی آمد و هر قدر تلاش کردم که آنها را از توقیف خودرو منصرف کنم، نشد. ساعتی که گذشت و دیدم تلاشم بی‌فایده است و دیگر به پرواز نمی‌رسم، قید پرواز را زدم.»

صبح چهارشنبه بود که شهبازی برای خارج کردن ماشینش از پارکینگ اقدام کرد، اما همان موقع با خبر شوکه‌کننده‌ای روبه‌رو شد. «از این‌که برنامه هایم به هم ریخته بود ناراحت بودم. اما صبح چهارشنبه که فهمیدم هواپیما سقوط کرده بیشتر از قبل ناراحت شدم. تعدادی از مسافران پرواز را به خاطر این‌که بارها همسفر شده بودیم می‌شناختم و از مرگ آنها خیلی ناراحت شدم.»

شهبازی در آخر گفت: «می‌دانم توقیف خودروی من و بازماندنم از پرواز سرنوشت بوده است. یك بار دیگر هم ۲۰ سال قبل بود که معجزه آسا از مرگ نجات پیدا کردم. آن روز در مسیر آشخانه به جنورد خودرویم در برف سنگین ماند. هیچ خودرویی در جاده تردد نمی‌کرد و کسی نبود که در آن یخبندان کمکم کند. به سختی از ماشینم پیاده شدم و پیاده راه جاده را گرفتم و از مرگ نجات پیدا کردم.»